

## تفکر و اجتماع

### در ایران

● فاطمه ترکچی

- تاریخ بیداری ایرانیان
- ناظم الاسلام کرمانی
- به اهتمام: علی اکبر سعیدی سیرجانی
- انتشارات بنیاد فرهنگ ایران با همکاری انتشارات آگاه و لوح؛ چاپ اول، ۱۳۵۷، جلد ۲ (بخش) و ۱۳۲۵ صفحه

#### مقدمه

میرزا محمد ناظم الاسلام کرمانی در ابتدای اثر خود به نام «تاریخ بیداری ایرانیان» با انتقاد از کتاب‌های تاریخی گذشته، هدف از تألیف خود را این‌گونه عنوان می‌کند که: «... آن چه ود از عجایب و غرایب روزگار دیده و از اخبار صحیحه آن چه شنیده و حوادث بزرگ این دوره تمدن و بیداری ایرانیان که خود مشاهده کرده و خدمات بزرگ مردمان سترگ که کوشش در بیداری خفتگان ایران کرده‌اند و زحماتی که رجال با عزم در اصلاح مفاسد این خاک پاک نموده و جان‌ها که در سرآزادی هموطنان خود داده‌اند، جمع و تدوین نموده، به طریق روزنامه برخلاف سیاق و شیوه غیر مرضیه متملقان چاپلوس بدون ملاحظه به عبارت ساده مصطلح خالی از انحرافات شاعرانه و اخلاقات منشیانه در این صحایف درج ... کردم.»<sup>۱</sup> بنابراین، با توجه به این که «تاریخ شفاهی راهی برای درگیر کردن تمام افراد جامعه در ساختن تاریخ خودشان و درک انتقادی از گذشته است»،<sup>۲</sup> و «روشی برای جمع آوری و نگهداری خاطرات گفته شده و نظرات شخصی از حوادث تاریخی است که از طریق مصاحبه‌های ضبط شده با شرکت‌کنندگان در وقایع گذشته شکل می‌گیرد»،<sup>۳</sup> می‌توان «تاریخ بیداری ایرانیان» را گونه‌ای از تاریخ‌نگاری شفاهی در دوره مشروطیت دانست. چرا که نویسنده پس از مقدمه‌های مفصل که به شرح زندگانی و احوال افرادی چون میرزا آقاخان کرمانی، شیخ احمد روحی، ناصرالدین شاه قاجار و ... می‌پردازد، خاطرات خود را از رویدادهای سیاسی - اجتماعی ایران از آستانه انقلاب مشروطیت یعنی ۲ ذیحجه ۱۳۲۲ تا ۱۳ رجب ۱۳۲۷ به صورت روزشمار ثبت کرده است. اما شناخت سبک تاریخ‌نگاری ناظم الاسلام کرمانی مستلزم پاسخ

به این سؤال است که او با چه انگیزه‌ای به نگارش کتاب پرداخته است؟ با استناد به کدامین منابع، مطالب خود را نگاشته است؟ نحوه برداشت و گزینش اطلاعات از این منابع به چه صورت انجام شده است؟ در بحث اعتباریابی، نویسنده، راوی تاریخی است یا تحلیل‌گری که به روش عقلانی به بررسی منابع، حوادث و نتیجه آن‌ها می‌پردازد؟ نقش و تأثیر ماوراءالطبیعه در دیدگاه نویسنده و این که آیا او نیز همچون بیشتر مورخان ایرانی پیش از خود پیرو مکتب الهی بوده است و مشیت خداوند را در بروز رویدادها دخیل دانسته است یا انسان‌محور بوده است؟ به چه علت بعضی وقایع یا اخبار را نوشته است؟ مطالب را خلاصه ارائه داده است یا با حاشیه‌پردازی ذهن خواننده را از اصل موضوع منحرف کرده است؟ اشتباه و تکرار و یا ضدونقیض‌گویی در این اثر وجود دارد یا خیر؟ واژگان کلیدی این کتاب تا چه اندازه در بازاریشناسی هدف نویسنده مؤثر هستند؟ محدودیت رویدادهای ثبت شده در تألیف با کدام طبقه یا قشر جامعه است؟ بدین روی، با روش کتابخانه‌ای پس از معرفی ناظم الاسلام کرمانی به بررسی «تاریخ بیداری ایرانیان» در جهت پاسخ به پرسش‌های بالا می‌پردازیم.

#### نویسنده «تاریخ بیداری ایرانیان»:

میرزا محمد ناظم الاسلام کرمانی، در سال ۱۲۸۰ قمری در خانواده‌ای که به هیچ یک از اقشار بالادست جامعه آن روز ایران منتسب نبود، در کرمان متولد شد. او پس از فراگیری «مقدمات عربی» و «صرف و نحو و حساب» در محضر میرزا عبدالحسین بردسیری معروف به میرزا آقاخان کرمانی به تحصیل «منطق و شرح اشارات» پرداخت<sup>۴</sup> و «فقه و اصول»



### می‌توان «تاریخ بیداری ایرانیان» را گونه‌ای از تاریخ‌نگاری شفاهی در دوره مشروطیت دانست

بسته شدن مجلس اول، حوادث دوره استبداد صغیر، فتح تهران توسط مجاهدان ملی، عزل محمدعلی شاه و برتخت نشستن احمدشاه و ... از مهم‌ترین رویدادهایی بودند که ناظم‌الاسلام را به یک نواندیش سیاسی بدل کردند.

روزنامه‌نگاری و فعالیت در روزنامه «کوکب ذری» و نگارش مقالات متعدد و مهم‌تر از همه، چاپ یادداشت‌هایی در پاورقی «کوکب ذری» که بعدها به صورت کتاب و زیر عنوان «تاریخ بیداری ایرانیان» تحریر یافت و معرف نوع تفکر و شخصیت نویسنده است، شاخص‌ترین دلیل این مدعا است.

ناظم‌الاسلام «پس از بیش از بیست سال» اقامت در تهران، در حالی که در هیچ مقام سیاسی و دولتی گمارده نشده بود<sup>۱۲</sup> و نیز در شرایطی که دیگر آن «میرزا محمد» متعصب سابق که در ۱۳۰۹ ق. / ۱۸۹۱ م. از موطن خود بیرون آمده بود، نبود،<sup>۱۳</sup> «مجدداً به کرمان بازگشت و بلافاصله در دادگستری (محکمه استیناف) به کار قضا مشغول گردید»،<sup>۱۴</sup> و سرانجام در سال ۱۳۳۷ ق. / ۱۹۱۸ م. «بر اثر بیماری آنفلانزا» درود حیات گفت.<sup>۱۵</sup>

را نزد شیخ ابوجعفر فقیه کرمانی تکمیل کرد<sup>۵</sup> و بدین ترتیب، به حوزه فقه و اصول وارد شد و به عبارتی در زمره اصولیون قرار گرفت. در سال ۱۳۰۹ ق. به منظور «تحصیل حکمت الهی» به تهران مهاجرت کرد و از «حوزه درس سید شهاب‌الدین شیرازی»، میرزا حسن آشتیانی<sup>۶</sup> و شیخ هادی نجم‌آبادی بهره‌مند گردید.<sup>۷</sup> در این زمان (۱۳۰۹ ق.) امتیاز رژی توسط حکومت ایران واگذار شد و ناظم‌الاسلام به عنوان شاهد عینی جریان‌ات تحریم توتون و تنباکو با اولین واکنش اعتراض‌آمیز عمومی علیه حکومت از نزدیک آشنا شد. پس از آن، با مسافرتی به عتبات عالیات (۱۳۱۲ ق.) از «حوزه درس میرزا محمد حسن شیرازی و میرزا محمد حسین شهرستانی» کسب «فیوضات» کرد. در اندک زمانی به دلیل ناسازگاری «هوای آن سامان با مزاج» او و همچنین فوت میرزای شیرازی به ناچار به تهران بازگشت.<sup>۸</sup> با این توصیف به نظر می‌رسد ناظم‌الاسلام در پی راهی برای درک حقایق سیاسی و اجتماعی زمان خود بوده است و با توجه به دارا بودن ذهنی فعال و کنجکاو<sup>۹</sup> به تصور این که خواهد توانست گمشده خود را در عتبات بیابد به محضر میرزای شیرازی وارد شد، اما با فوت زود هنگام او مجدداً به ایران بازگشت و این کمبود را با وجود میرزا محمد طباطبایی، از روحانیان برجسته تهران جبران کرد و از مکتب فکری و علمی و شخصیت او متأثر گردید. کسب لقب «ناظم‌الاسلام» به دلیل تدریس و سپس «نظم مدرسه اسلام»<sup>۱۰</sup> اولین گام در نزدیکی و حضور هرچه بیشتر وی در نشست‌های سیاسی صورت‌گرفته توسط طباطبایی - از جمله انجمن مخفی<sup>۱۱</sup> - بود. جریان‌ات سیاسی - اجتماعی ایران به ویژه در پایتخت و در آستانه انقلاب مشروطیت، تشکیل مجلس شورای ملی، به توپ

## آنچه خود از عجایب و غرایب روزگار دیده و از اخبار صحیحه آنچه شنیده و حوادث بزرگ این دوره تمدن و بیداری ایرانیان که خود مشاهده کرده [را] جمع و تدوین می کند

### تاریخ بیداری ایرانیان و انگیزه نگارش آن:

ناظم الاسلام، طی سال‌های سکونت خود در تهران، ضمن «تدریس و تألیف و تصنیف علوم» زمان خود به مطالعه کتاب‌های تاریخی پرداخت تا به گفته خودش «آینده را از گذشته قیاس» کند و «از حوادث ماضیه عبرت» گیرد. اما «پس از مطالعه این کتاب‌ها آن چه در نظر داشت، نیافت و به دلیل یک‌جانبه‌نگری و مختص بودن آن‌ها به توصیف «متملقانه» پادشاهان و پنهان داشتن «عیوب» ایشان و همچنین «مملو بودن از تعصبات مذهبی که توسط اشخاص جاهل» به تدریج «جزء تاریخ» شده بودند، تصمیم می‌گیرد که «کتابی در تاریخ ایران» و «بر سبک مورخان اروپا» بنگارد، لذا آنچه خود از عجایب و غرایب روزگار دیده و از اخبار صحیحه آنچه شنیده و حوادث بزرگ این دوره تمدن و بیداری ایرانیان که خود مشاهده کرده [را] جمع و تدوین می‌کند<sup>۱۶</sup> و پس از چاپ آن‌ها در پاورقی روزنامه «کوکب دری»، این یادداشت‌ها را در قالب کتابی زیرعنوان «تاریخ بیداری ایرانیان» می‌نگارد.

### ارکان کتاب

«تاریخ بیداری ایرانیان»، نخستین منبع تاریخ‌نگاری موضوع محور دوره مشروطیت است که به صورت سال‌شمار به بیان مقدمات انقلاب مشروطیت ایران (از تاریخ ۲ ذیحجه ۱۳۲۲) و روند استقرار مشروطیت (تا ۱۳ رجب ۱۳۲۷) پرداخته است. مطالب این کتاب در فصل‌های زیر گردآمده‌اند:<sup>۱۷</sup>

- مقدمه: متنی مفصل (در حدود ۲۴۰ صفحه) در مورد شرح احوال روشنفکرانی (عمدتاً کرمانی) همچون «میرزا آقاخان کرمانی» و «شیخ احمد روحی» بیان «واقعه رژی» (با درج دستخط‌ها و تلگراف‌ها)، شرح احوال دولت‌مردان روشنفکری چون «امیر کبیر»، «میرزا حسین خان مشیرالدوله» (سپهسالار)، «میرزا ملکم‌خان» و «میرزا علی‌خان امین‌الدوله» و «بیان حالات ناصرالدین‌شاه» و «مظفرالدین‌شاه» است.

- جلد اول: نحوه تشکیل «انجمن مخفی»، شرح جلسات این انجمن، شرح حال «محمدعلی میرزا ولیعهد»، «واقعه کرمان»، «عمارت بانک» و ... را در خود جای داده است. (۸۸ صفحه)

- جلد دوم: شامل وقایع «مهاجرت صغری» و کارشکنی‌های عین‌الدوله، چگونگی تشکیل «انجمن مخفی ثانی» و مختصری از تاریخ ارمنستان در ضمن بیان احوال «پرنس دادیان» و ... است. (۱۴۶ صفحه)

- جلد سوم: از این جلد به بعد ناظم الاسلام وقایع را به صورت روزشمار نوشته است، لذا این جلد رویدادهای ۱۸ جمادی‌الاول ۱۳۲۴ تا اول رمضان ۱۳۲۴ و نیز «شورش مردم»، «مهاجرت کبرا»، «شب‌نامه‌ها»، امضا و «توشیح فرمان مشروطیت»، تدوین «نظام‌نامه انتخابات»، «واقعه تبریز»، تشکیل «مجلس شورای ملی» و ... را شامل می‌شود. (۱۸۴ صفحه)

- جلد چهارم: وقایع شوال ۱۳۲۴ تا ذیحجه ۱۳۲۶ را دربردارد. (۲۸۰ صفحه)

- جلد پنجم: دربرگیرنده وقایع محرم ۱۳۲۷ | رجب ۱۳۲۷ است. (۲۵۶ صفحه)

- ضمائم: شامل اضافات و ملحقاتی است که سعیدی سیرجانی «در بین کاغذهای متفرقه مؤلف» و «پس از چاپ متن کتاب» یافته است<sup>۱۸</sup>، لذا زیر عنوان «ضمائم» پس از جلد پنجم چاپ شده است. این اوراق باز یافته شامل حوادث ۲۹ ربیع‌الاول ۱۳۲۷ تا ۵ ربیع‌الثانی ۱۳۲۷ هستند و تلگراف‌های رد و بدل شده میان انجمن ایالتی تبریز و تهران (بخ شاه)<sup>۱۹</sup> را نیز دربردارند.

- چند تلگراف: در این قسمت از کتاب، مصحح «متن یا رونوشت» ۳۹ تلگراف با تاریخ سال‌های ۱۳۲۴، ۱۳۲۶ و به طور عمده ۱۳۲۷، دو متن «فتوای علما»، دو «لایحه سفارت عثمانی»، «اعلامیه انجمن احبا» و حکم «عفو عمومی» را در لابه‌لای «کاغذهای شخصی» ناظم الاسلام یافته است و بعد از ضمائم درج کرده است.

موضوع «تاریخ بیداری ایرانیان» آن‌گونه که از نامش برمی‌آید، تاریخ فکری و اجتماعی است که تاریخ سیاسی دوره مورد بحث را در خود مستور نموده است و گه‌گاه اطلاعات جغرافیایی نیز به دست می‌دهد.<sup>۲۰</sup>

حال به منظور آشنایی بیشتر با این اثر ناظم الاسلام کرمانی، (شواهد و مستندات)، نوع اعتباریابی، سبک نگارش، دیدگاه و در نهایت ابزارشناسی نویسنده را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

## شناخت منابع و شواهدی که یک مورخ در اثر خود از آنها استفاده و بدانها استناد می‌کند، اولین گام در بررسی شیوه تاریخ‌نگاری آن اثر به‌شمار می‌آید

### ۱- منابع نویسنده (شواهد و مستندات):

شناخت منابع و شواهدی که یک مورخ در اثر خود از آنها استفاده و بدانها استناد می‌کند، اولین گام در بررسی شیوه تاریخ‌نگاری آن اثر به‌شمار می‌آید. چرا که جمع‌آوری اطلاعات و برداشت آنها نخستین اقدام مورخ در تاریخ‌نگاری است. اما منابع مورد استناد ناظم‌الاسلام را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

- ۱- دیده‌ها. ۲- شنیده‌ها. ۳- کتاب‌ها (کتب مذهبی، منابع تاریخی، جغرافیایی، سفرنامه‌ها). ۴- دایر المعارف‌ها. ۵- اسناد دولتی. ۶- صورت‌جلسات و مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی. ۷- لوایح مجلس شورای ملی. ۸- امتیازنامه‌ها. ۹- نظام‌نامه‌ها. ۱۰- فتواها. ۱۱- تلگراف‌ها. ۱۲- مکتوبات. ۱۳- صورت عریضه‌ها. ۱۴- اعلان نامه‌ها. ۱۵- روزنامه‌ها. ۱۶- مقالات و ...

### الف - دیده‌ها:

«تاریخ بیداری ایرانیان» آن گونه که مؤلف آن ادعان می‌دارد، پیش از هرچیز در برگیرنده حوادث و رویدادهایی است که ناظم‌الاسلام شاهد و ناظر آنها بوده است.<sup>۲۱</sup> کاربرد فعالی مانند «دیدم»، «مشاهده شد»، «ملاقات نمودم» و ... در متن به خصوص در جلد‌های ۳، ۴ و ۵ گواه این عقیده است. از سوی دیگر نویسنده با به‌کارگیری فعالی از این دست، قصد دارد تا صحت گفته‌هایش را مورد تأیید و تأکید قرار دهد، به ویژه آن‌جا که می‌گوید: «نگارنده به رأی‌العین دید ...»<sup>۲۲</sup>

در مقدمه کتاب، نویسنده تنها در ۴ مورد مانند مشاهده «کتاب‌های کوچک»، دیدن «مکاتیب سیدجمال‌الدین [اسدآبادی] که به عنوان حضرتش [آیت‌الله طباطبایی] نگاشته بود» و امثال آن از فعل «دیدم» استفاده می‌کند و در ۲ مورد با جمله «بنده نگارنده در مجلس .... بودم» حضور خود در مکان وقوع جریان را به عنوان شاهد ماجرا اعلام و متذکر می‌شود. در جلد اول ۳ بار از فعل «دیده شد»، «ملاقات [کردم]» و «نگارنده دیده [است]» استفاده کرده است و در ۷۴ مورد با جمله «نگارنده گفتم» و یا «گفتم» به شرح گفتگوی خود با افراد مختلف می‌پردازد و در ۸ مورد بدون اشاره به «دیدم» مشاهدات خود را توصیف می‌کند. در جلد دوم، ناظم‌الاسلام در ۱۱ مورد، دیده‌هایش را با کلمه «دیدم» مورد تأکید قرار

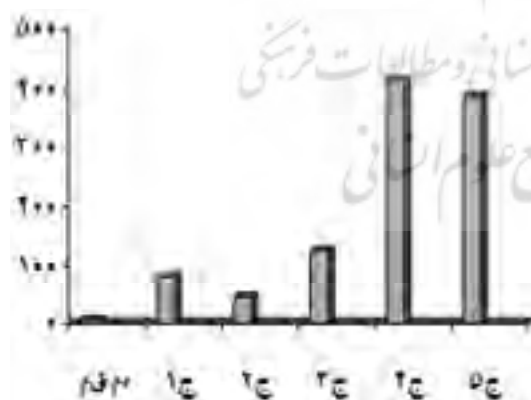
می‌دهد و در ۳۱ مورد شرح مکالمات خود با دیگران را می‌آورد. وی در جلد سوم در ۲۰ مورد فعل «دیدم» و ۱۰۶ مورد بدون ذکر افعالی مشابه آن، دیده‌ها و مشاهداتش را شرح می‌دهد. جلد چهارم نیز با دربرداشتن ۴۹ مورد فعل «دیدم» و ۳۶۹ مورد بدون کاربرد آن به بیان رویدادهای عینی نویسنده اشاره دارد. مؤلف در جلد پنجم با عنوان نمودن ۷۹ مورد «دیدم» و ۳۱۰ مورد استفاده از فعل «گفتم» و یا «جواب داد»، مشاهدات خود را درج کرده است.

- «خواب دیدم»:

ناظم‌الاسلام در ۴ مورد خواب‌هایی که دیده است را شرح می‌دهد که در این میان فقط یک مورد خواب او بیان‌گر حالات روحی وی به هنگام آشفتگی‌های سیاسی - اجتماعی زمانه بوده است<sup>۲۳</sup> و ۳ مورد قبلی کاملاً شخصی هستند.<sup>۲۴</sup>

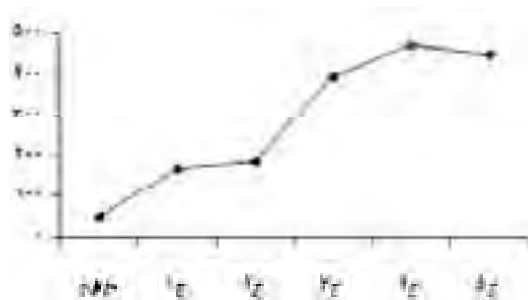
- «ندیدم»:

ناظم‌الاسلام در ۹ مورد (جلدهای ۳، ۴، ۵) با آوردن فعل «ندیدم» خواننده را متوجه این موضوع می‌کند که نگارنده شاهد آن رویدادها نبوده است و دقت در ماهیت و کیفیت واقعه به عهده خواننده است.



### ب - شنیده‌ها:

منظور از شنیده‌ها تمامی اخبار و حوادثی است که نویسنده شاهد آنها نبوده است که بدین ترتیب یا به واسطه‌ی اشخاص ناظر بر آن اتفاق و بنا نقل قول از افرادی که خود شاهد آن رویداد نبوده‌اند ولی از دیگرانی که گواه بر آن جریان بوده‌اند



#### ج - کتاب‌ها:

این گروه از منابع مورد استناد ناظم الاسلام، به ۴ دسته

تقسیم می‌شوند:

##### ۱- کتب مذهبی:

- آیات قرآن کریم در بسیاری از موارد به ویژه در جلد‌های ۵ و ۴ به دلیل عینی بودن وقایع، به‌عنوان شاهد آورده شده‌اند. در این زمینه، گمان می‌رود نویسنده با مصداق قرار دادن آیه‌هایی از قرآن کریم می‌خواسته است خواننده را از درستی خبر یا روایت آسوده‌خاطر نماید.<sup>۳۱</sup>

- نهج البلاغه: ناظم الاسلام تنها در یک مورد به نهج البلاغه استناد کرده است.<sup>۳۲</sup>

- کتب حدیث: جلد ۱۳ «بحارالانوار»<sup>۳۳</sup>، «احتجاج»<sup>۳۴</sup>، «جلد العیون»<sup>۳۵</sup>، و «کتاب اثنی عشریه»<sup>۳۶</sup>، چهار منبع ناظم الاسلام در برداشت و استناد از احادیث پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) به ویژه در جلد پنجم سات.

##### ۲- کتب تاریخی:

الف - ناسخ التواریخ سپهر (یک مورد)<sup>۳۷</sup>

ب - «مشاهیر الشرق» اثر جرجی زیدان (دو مورد)<sup>۳۸</sup>

ج - کتاب ابراهیم بیگ (یک مورد)<sup>۳۹</sup>.

د - «تاریخ مسعودی، اثر مسعود میرزا اظل السلطان (دو مورد).<sup>۴۰</sup>

ه - «تاریخ معاصر» اثر ذکاءالملک فروغی (دو مورد)<sup>۴۱</sup>.

و - کتاب «یک کلمه» نوشته مستشارالدوله (یک مورد)<sup>۴۲</sup>.

ز - «ترجمه تاریخ آبی» (دو مورد).<sup>۴۳</sup>

ناظم الاسلام در چهار مورد بدون ذکر اثر و یا نویسنده‌ای که بدان استناد نموده است، مطالب را درج می‌کند:

و یا با کمک و استناد به منابع نوشتاری همچون کتاب‌ها<sup>۲۵</sup>، روزنامه‌ها، مقالات، شب‌نامه‌ها، تلگراف‌ها، مکتوبات و ... به اصل ماجرا پی برده است. اکنون با دسته‌بندی هر یک از این منابع، میزان کاربرد هر یک را بازنمایی می‌کنیم:

- اشخاص: با وجود آن که ناظم الاسلام به‌ویژه از جلد دوم به بعد در بسیاری از صحنه‌های تاریخی ذکر شده در کتاب خود حضور داشته است، اما در مواقعی نیز به هنگام وقوع یک رویداد، ناظر بر جریانات نبوده است، بنابراین، خلأ حضور خود را با پرسش‌ها و یا اخباری که از افراد ناظر بر حادثه پی جو می‌شده است. وی در مقدمه با ۱۰ مورد، جلد اول ۴ مورد، جلد دوم ۶ مورد، جلد سوم ۱۱ مورد، جلد چهارم ۸۸ مورد و جلد پنجم با ۱۵۳ مورد کاربرد فعل «شنیدم» و یا «از قرار مسموع»، شنیده‌هایش را متذکر می‌شود. او همچنین ۴۲ مورد در مقدمه، ۱۶۸ بار در جلد اول، ۱۸۰ مورد در جلد دوم، ۳۸۵ مورد در جلد سوم، ۳۸۳ مورد در جلد چهارم و ۲۹۱ مورد در جلد پنجم با ذکر نام شخص و آوردن فعل «گفت» یا «مذکور داشت» و بدون ذکر «شنیدم» یا «شنیده شد» اخبار را نوشته است.

ناظم الاسلام به منظور اطمینان دادن به خواننده از صحت شنیده‌ها و گفته‌هایش گاهی راوی خبر را با عبارت: «... که از موثقین است»، معرفی می‌کند.<sup>۲۶</sup> او همچنین در مواردی پس از شنیدن خبر، تنها به محل وثوق گوینده اکتفا نمی‌کند و با ذکر عبارات و جملاتی چون «علی الحقیقی»<sup>۲۷</sup> و «پس از تحقیق معلوم شد»<sup>۲۸</sup> و یا «به‌طور تحقیق شنیدم» به نوشته‌هایش اعتبار می‌دهد.

جالب توجه است که نویسنده در یک مورد خبری را البته با یک واسطه، از قول یک «منجم»<sup>۲۹</sup> به اطلاع می‌رساند و در یک مورد هم راوی خبر او «یک نفر زردستی»<sup>۳۰</sup> است. - «شنیدم»:

جالب توجه است که در جلد‌های ۴ و ۵ که شنیده‌ها و مسمومات، پس از مشهودات مهم‌ترین بخش منابع را به خود اختصاص می‌دهد، ۳۲ بار از فعل «شنیدم» استفاده شده است که در جلد‌های پیش سابقه نداشته است. کاربرد این فعل در تمامی این موارد بدان معنا است که نویسنده، به دلیل نبود شخص (یا راوی یا شاهد) موثق به گفتن «شنیدم» بسنده می‌کند.



الف - «به گفته لرد هیو» (یک مورد)<sup>۴۴</sup>.

ب - «یکی از مورخین می نویسد ...» (یک مورد)<sup>۴۵</sup>.

ج - «یکی از معاصرین چنین نوشته است ...» (یک مورد)<sup>۴۶</sup>.

د - «پرفسور براون چنین نوشته است ...» (یک مورد)<sup>۴۷</sup>.

دانشتنی است که نویسنده نام کتاب‌هایی همچون «آینه سکندری» (تألیف میرزا آقاخان کرمانی)<sup>۴۸</sup>، «تاریخ هفت‌هزار سال» (اثر یحیی کرمانی)<sup>۴۹</sup>، «رساله فضایح الاستبداد» (نوشته سید جمال الدین اسدآبادی)<sup>۵۰</sup>، «اخبار ناصری» (تألیف خورموجی)<sup>۵۱</sup>، «قانون ناصری» (اثر شیخ علی شریعتمدار)<sup>۵۲</sup>، «رساله مجدیه» (تألیف میرزا علی‌خان امین‌الدوله)<sup>۵۳</sup> و ... را نیز در تاریخ خود آورده است که اگر چه از آن‌ها به‌عنوان منبع نوشته‌هایش استفاده نکرده است اما در معرفی آن‌ها که بعضاً شهرت چندانی ندارند و خواننده را مشتاق به مطالعه آن می‌نماید، بسیار حائز اهمیت است.

۳- کتب جغرافیا:

«تقویم البلدان» تنها منبع جغرافیایی است که در چگونگی تلفظ نام «بم» مورد استناد ناظم‌الاسلام قرار گرفته است.<sup>۵۴</sup>

۴- سفرنامه‌ها

نویسنده در اثر خود به هیچ سفرنامه‌ای استناد نمی‌کند و تنها دو «مسافرت‌نامه»ی ناصرالدین شاه<sup>۵۵</sup> و مظفرالدین شاه<sup>۵۶</sup> را نام می‌برد.

د - دایرةالمعارف‌ها:

ناظم‌الاسلام فقط در یک مورد و به یک دایر المعارف استناد و اشاره می‌کند<sup>۵۷</sup> که منبع اوست اما نام تدوین‌گر و یا مشخصات دیگر آن را بیان نمی‌کند.

ه - اسناد دولتی:

نویسنده در یک مورد «دفتر کرمان» را برای اطلاع از کیفیت مالیات‌گیری حکام کرمان به خواننده معرفی می‌کند و بدان ارجاع می‌دهد.<sup>۵۸</sup>

و - صورت‌جلسات و مذاکرات مجلس شورای ملی:

ثبت شرح گفت‌وگوها و مذاکرات نمایندگان مجلس شورای ملی از نکات جالب توجه «تاریخ بیداری ایرانیان» است. چرا که نویسنده در جلسات اولین مجلس شورای ملی به‌عنوان تماشاگر حاضر می‌شده است<sup>۵۹</sup> و همچنین به دلیل حضور برادرش<sup>۶۰</sup> در این مجلس به عنوان نماینده کرمان<sup>۶۱</sup> بسیاری از رویدادهای داخلی مجلس و صورت‌جلسات را ثبت کرده است. ناظم‌الاسلام ۴۲ مورد از نطق‌ها و صورت‌جلسات مجلس را در اثر خود درج نموده است.<sup>۶۲</sup>

ز - لوایح مجلس شورای ملی:

لوایح مصوب مجلس شورای ملی در ۱۹ مورد از شواهد قابل توجه و مهم نویسنده به شمار می‌آیند.<sup>۶۳</sup>

ح - امتیاز نامه‌ها:

درج صورت ۲ امتیازنامه به ویژه «امتیازنامه رژی»<sup>۶۴</sup> از شاخصه‌های «تاریخ بیداری ایرانیان» است که متأسفانه نویسنده از محل اخذ آن‌ها سخن نگفته است.

ط - نظام‌نامه‌ها:

«نظام‌نامه انتخابات مجلس شورای ملی»<sup>۶۵</sup> و «نظام‌نامه قانون اساسی»<sup>۶۶</sup> از گروه ۶ مورد نظام‌نامه‌هایی است که در کتاب ذکر شده‌اند و از دیگر موارد مهم‌تر به نظر می‌رسند.

ی - فتواها:

۱۲ مورد احکام و فتوایی که از سوی مجتهدان و علمای

**تلگراف‌ها از مهم‌ترین منابع و مستندات ناظم‌الاسلام به شمار می‌روند که یا توسط میرزا محمد طباطبایی و یا از طریق روزنامه‌ها بدان‌ها دسترسی یافته است**

اعلام در این تاریخ ذکر شده‌اند نیز از اهمیت قابل توجهی برخوردارند.<sup>۶۷</sup>

ک - تلگراف‌ها:

تلگراف‌ها از مهم‌ترین منابع و مستندات ناظم‌الاسلام به شمار می‌روند که یا توسط میرزا محمد طباطبایی و یا از طریق روزنامه‌ها بدان‌ها دسترسی یافته است. از نکات جالب توجه در این زمینه، آن‌که وی بعضی از تلگراف‌ها را که به نظر مهم بوده‌اند، توضیح می‌دهد.<sup>۶۸</sup> وی در ۳۶۶ مورد سواد و یا رونوشت تلگراف‌ها را درج نموده است. او یکی از دلایل ذکر تلگراف‌ها را در کتابش روشن کردن ابهام‌ها و پاسخ به چرایی وقوع یک رویداد عنوان می‌کند.<sup>۶۹</sup>

ل - مکتوبات:

ناظم‌الاسلام در ۲۰۰ مورد از مکتوبات و نامه‌هایی صحبت می‌کند که بنا به گفته خودش، برای آگاهی خواننده از «این همه ظلم و ستم و خواری و ذلت که از سوی مستبدان بر آزادی‌طلبان تحمیل می‌شود در این تاریخ» درج شده است.<sup>۷۰</sup>

م - صورت عریضه‌ها:

بیان ۹ مورد از عریضه‌هایی که توسط افراد مختلف از جمله علما به شاه و یا از سوی انجمن‌ها یا مردم به علما یا مجلس شورای ملی داده می‌شد، از نکات جالب توجه «تاریخ بیداری ایرانیان» است.<sup>۷۱</sup>

ن - اعلان‌نامه‌ها:

اعلان‌نامه‌ها در ۴۹ مورد از دیگر مستندات ارائه شده توسط نویسنده هستند.<sup>۷۲</sup>

س - شب‌نامه‌ها:

شب‌نامه‌ها که به‌ویژه در ماه‌های پیش از صدور فرمان مشروطیت<sup>۷۳</sup> و نیز در دوره استبداد صغیر<sup>۷۴</sup> منتشر شده‌اند، در ۳۶ مورد شواهد موجود در «تاریخ بیداری ایرانیان» به‌شمار می‌آیند.

۴- لغت‌نامه:

یک مورد لغت‌نامه که به «دیوار مسجد شاه تهران نصب نموده‌اند»<sup>۷۵</sup> نیز از جمله منابع ذکر شده در کتاب است.

ف - قسم‌نامه:

۲ مورد قسم‌نامه و کلامی مجلس دوم شورای ملی<sup>۷۶</sup> و محمدعلی شاه «در پشت قرآن»<sup>۷۷</sup> از دیگر شواهد نویسنده است.

ص - روزنامه‌ها:

روزنامه‌ها در ۴۱ مورد از مهم‌ترین مستندات نویسنده در نگارش اثر مذکور هستند. چرا که کسب اطلاع از وثوق حوادث و رویدادها بیشتر از طریق روزنامه‌ها میسر بود؛ هرچند گاهی اطلاعات اشتباه نیز در آن‌ها درج شده است. اما نویسنده پس از چند روز که از «دروغ بودن» خبر اطلاع می‌یافت، بلافاصله با بیان کذب بودن خبر، صحت آن را ارائه می‌دهد و یا در صورت

بی‌اطلاعی از خبر درست، ابراز عجز می‌کند.<sup>۷۸</sup> از نکات قابل توجه در این زمینه، آن است که ناظم‌الاسلام ضمن درج نام روزنامه، شماره و سال چاپ آن را نیز بیان می‌کند<sup>۷۹</sup> و بدین طریق، ارزش علمی اثر خود را ارتقا می‌بخشد. او همچنین مطالبی از روزنامه‌های خارجی نقل می‌کند و اخبار مندرج در آن‌ها را بازگو می‌کند، اما در بعضی موارد نام روزنامه را نمی‌آورد.<sup>۸۰</sup>

ق - مقالات:

مقالاتی که ناظم‌الاسلام بیشتر از طریق روزنامه‌ها به‌دست آورده است، در ۱۳ مورد از دیگر منابع وی به‌شمار می‌آیند. «مقاله ملی» در زمان «واقعه رژی»<sup>۸۱</sup> از مهم‌ترین مقالات مندرج در کتاب به شمار می‌رود.

ر - رساله‌ها:

ناظم‌الاسلام در کتاب خود ۲ مورد رساله را به‌عنوان شاهد ثبت نموده است.

ش - خطابه‌ها و نطق‌ها:

سخنرانی علما و افراد برجسته سیاسی - اجتماعی در ۵ مورد تحت عنوان «خطابه» یا «نطق» در این اثر گواه آورده شده‌اند.

ت - استنطاقیه‌ها:

۳ مورد استنطاقیه میرزا رضای کرمانی<sup>۸۲</sup>، صنیع حضرت و مفاخرالملک<sup>۸۳</sup> و شیخ فضل‌الله نوری<sup>۸۴</sup> از جالب توجه‌ترین نکاتی است که نویسنده به‌طور مشروح هر یک را در اثر خود درج کرده است.

ث - شعر:

۳۴۰ بیت شعر نیز از دیگر استنادات ناظم‌الاسلام است، به‌ویژه در مقدمه که عمده اشعار از «نامه باستان» میرزا آقاخان کرمانی اقتباس شده‌اند.<sup>۸۵</sup>

خ - ضرب‌المثل:

هفت مورد ضرب‌المثل در «تاریخ بیداری ایرانیان» بیانگر حالات مختلف روحی نویسنده است که گاهی به منظور ابراز تأسف و گاهی برای درک بهتر مطالب به کار برده شده‌اند.<sup>۸۶</sup>

۲- نوع اعتباریابی نویسنده:

ناظم‌الاسلام کرمانی تا حد امکان سعی داشته است تا در برداشت مطالب مورد نظر از روزنامه‌ها، کتاب‌ها و یا کسب اخبار با جملاتی مانند: «... پس از تحقیق می‌نویسم»<sup>۸۷</sup>، ... پس

## ناظم‌الاسلام نخستین کسی است که در نوشته‌های خود جز مشیت الهی به علل و عوامل انسانی در رویدادهای سیاسی و اجتماعی اشاره می‌کند

از تحقیق درج خواهد شد.<sup>۸۸</sup> «... اخبار امروز را به تحقیق [به] دست آورده‌ام [می‌نگارم]...»<sup>۸۹</sup> به خواننده اطمینان دهد که اخبار از صحت و سقم برخوردار هستند. وی همچنین در مواردی که به‌طور قطع از موضوعی اطلاع نداشته باشد با کلمه «تقریباً»<sup>۹۰</sup> به خواننده هشدار می‌دهد که جانب احتیاط را در نگرش به آن موضوع رعایت کند. نویسنده در بیشتر موارد، روایت‌ها و اخبار را گزینش می‌کند و در ۲۰۵ مورد به تحلیل عقلی آن‌ها می‌پردازد. به‌عنوان مثال ضمن نقل مستقیم از کتاب ابراهیم بیگ در زیرنویس توضیحاتی می‌دهد،<sup>۹۱</sup> اوضاع کرمان در زمان آصف‌الدوله را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد<sup>۹۲</sup> و دلایل «یأس» و «استعفای محمدعلی میرزا از سلطنت ایران» را به روش عاقلانه تحلیل می‌کند.<sup>۹۳</sup>

در مقابل، ناظم‌الاسلام در ۱۹۶ مورد نقل بدون ارجاع و ۴۸ مورد از روش بینابینی تبعیت کرده است. لازم به ذکر است که ناظم‌الاسلام در دو مورد به «تحریرات» خود اشاره می‌کند و آن‌ها را در اختیار خواننده قرار می‌دهد.<sup>۹۴</sup> استفاده و کاربرد «ماده تاریخ» در این کتاب تنها یک نمونه دارد آن هم نهفته در شعری است به نقل از ناصرالدین شاه در ماده تاریخ سال فوق سپهسالار.<sup>۹۵</sup>

۳- دیدگاه نویسنده:

ناظم‌الاسلام نخستین کسی است که در نوشته‌های خود جز مشیت الهی به علل و عوامل انسانی در رویدادهای سیاسی و اجتماعی اشاره می‌کند.<sup>۹۶</sup> وی گه‌گاه ضمن تحلیل وقایع به ارزش‌گذاری می‌پردازد و از حرفی که در مقدمه کتاب بدان اشاره می‌کند، فاصله می‌گیرد و دچار تملق‌گویی و مبالغه می‌شود و آن‌چنان پیش می‌رود که خواننده بلا تکلیف می‌ماند که فردی که در چند سطر پیش مورد ستایش قرار گرفت چرا در این زمان مذموم شده است و یا بالعکس.<sup>۹۷</sup> البته باید توجه داشت حدود ۹۰ درصد از کسانی که مورد تمجید ناظم‌الاسلام واقع می‌شوند به لحاظ نوع فکر و اندیشه و طرز تلقی آن‌ها از آزادی و بیداری است و میزان تأثیر ایشان در روند مشروطه‌خواهی و آزادی‌طلبی است.<sup>۹۸</sup> وی گاهی با استفاده از استعاره‌های ادبی که البته بر روانی

متن صدمه نمی‌زند، واژه‌ی «مبالغه» را در ذهن خواننده تداعی می‌کند.<sup>۹۹</sup> جالب آن‌جا است که خود نیز به تملق‌گویی‌اش اذعان دارد.<sup>۱۰۰</sup>

ناظم‌الاسلام تنها آن مطالبی را که به «تاریخ» یعنی موضوع اثر مربوط باشد، از منابع موجود و قابل دسترس اقتباس می‌کند<sup>۱۰۱</sup> و هر مطلبی را که صلاح نداند در کتاب خود نمی‌آورد.<sup>۱۰۲</sup> تناقض‌گویی از مواردی است که هر چند بر اساس اثر لطمه وارد نمی‌کند، اما خواننده را به ورطه تردید می‌کشاند که سرانجام کدام مطلب صحت دارد.<sup>۱۰۳</sup>

مبهم‌گویی به ویژه در موقع مهاجرت کبریا<sup>۱۰۴</sup> از دیگر مواردی است که خواننده را با مشکل مواجه می‌کند.

ناظم‌الاسلام حتی گاهی یک خبر را به سه طریق بیان می‌کند<sup>۱۰۵</sup>، از جمله قتل «کریم ضارب شیخ فضل‌الله» که در نهایت از ناتوانی ارائه خبر صحیح ابراز تأسف می‌کند.<sup>۱۰۶</sup>

عجز و ناتوانی از بیان خبر صحیح با ذکر عبارت «العهدہ علی‌الراوی»<sup>۱۰۷</sup> به ویژه در بخش دوم که مشاهدات و شنیده‌ها مهم‌ترین منابع تاریخ‌نگاری نویسنده به شمار می‌روند، از دیگر اشکالات نویسنده است.

ناظم‌الاسلام در مواردی که صلاح نداند اخبار حوادث را نمی‌نویسد و با این ادعا که «خلاف واقع را محتوی است»<sup>۱۰۸</sup>، «اخبار .... مختلف می‌رسد، اعتماد به هیچ یک نشاید»<sup>۱۰۹</sup> و یا «اخبار و اراجیف بسیار ذکر شد که هیچ‌کدام قابل نوشتن نمی‌باشد»<sup>۱۱۰</sup>، با بی‌اعتمادی به اخبار و ناتوانی از دست‌بندی روایات صحیح و ناصحیح از بیان آن‌ها امتناع می‌کند. «سری‌بودن»<sup>۱۱۱</sup> مطالب و یا «محرمانه بودن»<sup>۱۱۲</sup> یک جلسه نیز از دیگر دلایلی است که موجب ثبت نکردن مطالب توسط نویسنده شده است. البته باید توجه داشت که هدف ناظم‌الاسلام صرفاً روایت اخبار و حوادث ایران در آستانه انقلاب مشروطیت و پس از استقرار مشروطیت نیست بلکه وی قصد دارد تا با ثبت روایاتی که خود صلاح می‌داند، خواننده را با نحوه بیداری ایرانیان و روند مشروطه‌خواهی آشنا کند.

۴- سبک نگارش نویسنده:

خلاصه‌نویسی و پرهیز از حاشیه‌روی و بیهوده‌گویی از شاخصه‌هایی سبک نویسندگی ناظم‌الاسلام است. به‌ویژه آن‌جا که حتی در ذکر تلگراف‌ها و یا مکتوبات که مهم‌ترین بخش منابع نویسنده را تشکیل می‌دهند وی با آوردن کلمه «الخ»<sup>۱۱۳</sup> و یا «خلاصه»<sup>۱۱۴</sup> به این ادعا صحنه می‌گذارد. وجود گاه و بی‌گاه عبارات عربی و انگلیسی در متن هرگز نتوانسته است از روانی سادگی لحن نویسنده بکاهد بلکه خواننده با طرز بیان و ادبیات ایران عهد قاجار می‌شود. کاربرد فعل «خواهد آمد»<sup>۱۱۵</sup> در بیشتر مواقع باعث شده است که خواننده واقعاً در این امر که آیا همه این وعده‌ها تحقق می‌یابد یا خیر، مستأصل بماند.

ناظم‌الاسلام در بیشتر موارد در میان توضیح یک جریان



با یک «جمله معترضه» به شرح حال یک فرد یا یک رویداد می‌پردازد<sup>۱۱۶</sup> و بدین لحاظ ذهن خواننده را از موضوع اصلی متن دور می‌کند. وی گه‌گاه برای یک حادثه مثال‌ها و مشابهت‌هایی از حوادث قبل می‌آورد.<sup>۱۱۷</sup>

شیوه جمله‌بندی ناظم‌الاسلام گاهی به صورت نامأنوس خواننده را با مشکل درک سریع مطلب مواجه می‌کند، مانند آن‌جا که می‌نویسد: «حاضرین که تکفیر کرده بودند، مشروطه‌خواهان را»<sup>۱۱۸</sup>

#### ۵- ابزارشناسی و واژگان کلیدی

در یک نگاه آماری به کلمات و واژه‌های «تاریخ بیداری ایرانیان» در می‌یابیم که محور اصلی اشخاص، «طباطبایی» و «بهبهانی» به طور اخص و «علما» به طور عام هستند. «قانون» به معنی «قاعده‌ای است که مقامات صلاحیت‌دار وضع و ابلاغ کنند»، «بیداری» به معنی «آگاهی»، «علما» به معنی «دانشمندان و دانایان»، «آزادی» به معنی «رهایی»، «استبداد» به معنی «ظلم و تعدی ناشی از استقلال‌طلبی حکام» و «مشروطه» به معنی «قضیه‌ای که در آن شرط به کار رفته است»<sup>۱۱۹</sup> واژگان کلیدی این اثر هستند. «قانون» در ۱۴۶ مورد، «علما» در ۳۴۲ مورد، «بیداری» در ۹۸ مورد، «آزادی» در ۴۰ مورد، «استبداد» در ۸۴ مورد و «مشروطه» در ۳۱۴ مورد، محور اصلی واژه‌های کتاب را تشکیل می‌دهند و گویای توجه نویسنده به «انقلاب مشروطیت» به عنوان حاصل و نتیجه «بیداری» و تلاش ایرانیان است.

#### پی‌نوشت:

- ۱ - ناظم الاسلام کرمانی، میرزا محمد: تاریخ بیداری ایرانیان؛ بخش اول، به اهتمام علی‌اکبر سعیدی سیرجانی؛ تهران: بنیاد فرهنگ ایران، لوح و آگه، ۱۳۵۷، ص ۸.
- ۲ - حسن‌آبادی، ابوالفضل؛ تاریخ شفاهی در ایران؛ مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۸۵، ص ۲۴.
- ۳ - همان؛ ص ۲۱.
- ۴ - ناظم‌الاسلام، بخش اول، ص هفده. (این اولین برخورد ناظم‌الاسلام با اندیشمندان و روشنفکران معاصرش بود و شاید بتوان گفت که شاگردی او نزد آقاخان کرمانی، مقدمه‌ای برای حضورش در مکاتب روشنفکری و آزادی‌خواهی در آینده‌ای نه چندان دور بود).
- ۵ - همان؛ بخش اول، ص ۱۶.
- ۶ - «از علما و مجتهدان قرن اخیر مقیم تهران و از شاگردان شیخ مرتضی انصاری بود.» او نقشی مؤثر در لغو «امتیاز انحصار توتون و تنباکو در رژی» داشت؛ (بامداد، مهدی؛ شرح حال رجال ایران؛ ج ۱، تهران: زوار، ۱۳۵۷، ص ۳۱۶).
- ۷ - ناظم‌الاسلام، بخش اول؛ ص هجده، ۱۸.
- ۸ - همان؛ ص ۶۰.

- ۹ - همان؛ ص ۷.
- ۱۰ - همان؛ ص ۲۰.
- ۱۱ - همان؛ ص ۶۰.
- ۱۲ - همان؛ ص ۲۱.
- ۱۳ - همان؛ ص ۲۲.
- ۱۴ - همان؛ ص ۲۲.
- ۱۵ - همان؛ ص ۲۴.
- ۱۶ - همان؛ ص ۸ و ۷.
- ۱۷ - سعیدی سیرجانی در هنگام تصحیح و چاپ، کتاب را به دو بخش تقسیم کرده است که بخش اول شامل «مقدمه»، «جلد اول»، «جلد دوم» و «جلد سوم» است و بخش دوم شامل «جلد چهارم»، «جلد پنجم»، «ضمایم» و تلگراف‌ها با عنوان «چند تلگراف» است.
- ۱۸ - همان؛ بخش دوم، ص ۴۱.
- ۱۹ - همان؛ ص ۵۵۱-۵۴۸.
- ۲۰ - همان؛ بخش اول، ص ۱۵۸، ۲۱۷، ۳۱۷ و ...
- ۲۱ - همان؛ ص ۸.
- ۲۲ - همان؛ ص ۴۸۶.
- ۲۳ - همان؛ بخش دوم، ص ۳۷۵.
- ۲۴ - همان؛ ص ۲۴۰.
- ۲۵ - نویسنده بیشتر در مقدمه و جلد اول از کتاب‌ها استفاده کرده است و تقریباً از جلد دوم به بعد نقش این دسته از منابع کم‌رنگ‌تر می‌شود.
- ۲۶ - همان؛ بخش اول، ص ۷۹، ۸۰، ۱۴۲، ۲۰۷ و ... همچنین، بخش دوم، ص ۲۹۱، ۲۷ و ...
- ۲۷ - همان؛ بخش دوم، ص ۱۵۷.
- ۲۸ - همان؛ ص ۱۶۱.
- ۲۹ - همان؛ ص ۲۹۶.
- ۳۰ - همان؛ ص ۳۷۴.
- ۳۱ - همان؛ بخش اول، ص ۱۵، ۱۷، ۵۰، ۹۸ و ... همچنین، بخش دوم، ص ۳۴، ۶۹، ۱۰۹ و ...
- ۳۲ - همان؛ بخش اول، ص ۲۶۴.
- ۳۳ - همان؛ بخش دوم، ص ۳۱۸، ۳۳۸، ۵۰۴.
- ۳۴ - همان؛ بخش اول، ص ۲۸۴.
- ۳۵ - همان؛ ص ۲۸۴.
- ۳۶ - همان؛ ص ۲۶۴.
- ۳۷ - همان؛ ص ۶۸.
- ۳۸ - همان؛ ص ۷۸-۷۰ و ۳.
- ۳۹ - همان؛ ص ۲۴۸-۲۵۲.
- ۴۰ - همان؛ ص ۱۵۰ و ۱۵۱.
- ۴۱ - همان؛ ص ۱۳۶ و ۱۳۷.
- ۴۲ - همان؛ ص ۱۶۹ و ۱۷۰.
- ۴۳ - همان؛ ص ۳۶۳ و ۳۹۱.
- ۴۴ - همان؛ ص ۱۲۶.
- ۴۵ - همان؛ ص ۱۳۱.

- ۴۶ - همان؛ ص ۱۵۲.
- ۴۷ - همان؛ ص ۳۴۴.
- ۴۸ - همان؛ ص ۱۲۰۸.
- ۴۹ - همان؛ ص ۱۸.
- ۵۰ - همان؛ ص ۸۳.
- ۵۱ - همان؛ ص ۱۲۹.
- ۵۲ - همان؛ ص ۱۴۳.
- ۵۳ - همان؛ ص ۱۵۴.
- ۵۴ - همان؛ ص ۳۱۷.
- ۵۵ - همان؛ ص ۱۲۷.
- ۵۶ - همان؛ ص ۱۳۱.
- ۵۷ - همان؛ ص ۴۱۷.
- ۵۸ - همان؛ ص ۲۱۵.
- ۵۹ - مطابق با فصل پانزدهم از «نظام‌نامه داخلی مجلس شورای ملی ایران»، «عموم مردم» می‌توانستند «با داشتن بلیت برای استماع مذاکرات در اجلاسات علنی داخل مجلس شورای ملی بشوند و در جایی که برای تماشاچی مقرر است، بنشینند.» همچنین، «تماشاچیان» می‌بایست «در ورود به مجلس خود را مکلف به قوانین نظمیه مجلس» بدانند. (همان؛ بخش دوم، ص ۵۶)
- ۶۰ - میرزا هدایت‌الله شمس‌الحکما، برادر ناظم‌الاسلام در نخستین دوره مجلس شورای ملی به عنوان نماینده مردم کرمان در این مجلس حضور یافت. (اسامی نمایندگان مجلس شورای ملی از آغاز مشروطیت تا دوره ۲۴ قانونگذاری (تهران: مجلس شورای ملی، ۱۳۳۶)، ص ۱۰.
- ۶۱ - ناظم‌الاسلام، بخش دوم، ص ۲۸.
- ۶۲ - برای نمونه نک. به: همان؛ ص ۵۶.
- ۶۳ - برای نمونه نک. به: همان؛ ص ۲۴.
- ۶۴ - همان؛ بخش اول، ص ۵۳-۵۱.
- ۶۵ - همان؛ ص ۶۰۸-۶۰۱.
- ۶۶ - همان؛ بخش دوم، ص ۴۵-۳۸.
- ۶۷ - برای نمونه نک. به: همان؛ ص ۲۹۳، ۳۵۰ و ۳۵۲.
- ۶۸ - همان؛ بخش اول، ص ۵۸، ۵۸۹، ۶۰۸ و ...
- ۶۹ - همان؛ بخش دوم، ص ۴۰۷.
- ۷۰ - همان؛ بخش اول، ص ۴۳۳ و ۴۴۰.
- ۷۱ - برای نمونه نک. به: همان؛ ص ۵۸، همچنین، بخش دوم، ص ۱۰۲.
- ۷۲ - برای نمونه نک. به: همان؛ بخش دوم، ص ۴۶۵، ۵۰۵ و ...
- ۷۳ - برای نمونه نک. به: همان؛ بخش اول، ص ۵۳۰.
- ۷۴ - برای نمونه نک. به: همان؛ بخش دوم، ص ۲۰۳ و ۲۲۲.
- ۷۵ - همان؛ بخش اول، ص ۲۵۴.
- ۷۶ - همان؛ بخش دوم، ص ۱۰۱.
- ۷۷ - همان؛ ص ۱۴۳.
- ۷۸ - همان؛ ص ۳۶۳، ۴۰۷ و ...
- ۷۹ - همان؛ بخش اول، ص ۲۹۹.
- ۸۰ - همان؛ بخش دوم، ص ۴۳۶.
- ۸۱ - همان؛ بخش اول، ص ۴۹-۴۶.
- ۸۲ - همان؛ ص ۱۱۷-۱۰۰.
- ۸۳ - همان؛ بخش دوم، ص ۵۳۰ و ۵۳۱.
- ۸۴ - همان؛ ص ۵۳۶.
- ۸۵ - همان؛ بخش اول، ص ۱۲ و ۲۳۴-۲۲۳.
- ۸۶ - همان؛ ص ۱۷، همچنین، بخش دوم، ص ۵۴۳، ۵۴۴ و ...
- ۸۷ - همان؛ بخش دوم، ص ۵۲۱ و ...
- ۸۸ - همان؛ ص ۴۸۶.
- ۸۹ - همان؛ ص ۴۹۴.
- ۹۰ - همان؛ ص ۵۴۲.
- ۹۱ - همان؛ بخش اول، ص ۲۵۰ و ۲۵۱ (ح).
- ۹۲ - همان؛ ص ۲۶۱ (ح).
- ۹۳ - همان؛ بخش دوم، ص ۵۰۴-۵۰۰ و ۵۴۳.
- ۹۴ - همان؛ ص ۲۶۹ و ۴۷۸.
- ۹۵ - همان؛ بخش اول، ص ۱۴۲.
- ۹۶ - همان؛ بخش دوم، ص ۱۳۲، ۱۶۲، ۱۷۱ و ...
- ۹۷ - همان؛ بخش اول، ص ۳۷۰ و ۳۷۲، همچنین، بخش دوم، ص ۲۶۵.
- ۹۸ - همان؛ بخش اول، ص ۱۲۹، ۱۶۳ و ...
- ۹۹ - همان؛ ص ۱۵۷.
- ۱۰۰ - همان؛ ص ۲۴۷ و ۲۴۸، همچنین، بخش دوم، ص ۱۷۲.
- ۱۰۱ - همان؛ بخش دوم، ص ۲۱۷.
- ۱۰۲ - همان؛ ص ۴۲۱.
- ۱۰۳ - همان؛ بخش اول، ص ۱۲۵، همچنین، بخش دوم، ص ۳۶۳ و ...
- ۱۰۴ - همان؛ بخش اول، ص ۵۰۶ و ۵۳۶.
- ۱۰۵ - همان؛ بخش دوم، ص ۲۷۵، ۲۷۶ و ۲۷۸.
- ۱۰۶ - همان؛ ص ۴۷۸.
- ۱۰۷ - همان؛ ص ۲۶۳، ۲۷۱ و ...
- ۱۰۸ - همان؛ ص ۲۶۵.
- ۱۰۹ - همان؛ ص ۲۹۲.
- ۱۱۰ - همان؛ ص ۲۹۹.
- ۱۱۱ - همان؛ ص ۸۰.
- ۱۱۲ - همان؛ ص ۲۶۳.
- ۱۱۳ - همان؛ ص ۴۱۳ و ۴۲۵.
- ۱۱۴ - همان؛ بخش اول، ص ۲۵۶ و ...
- ۱۱۵ - همان؛ ص ۲۷۸، ۲۹۲ و ...
- ۱۱۶ - همان؛ ص ۲۷۳، ۲۸۰، ۳۲۰ و ...
- ۱۱۷ - همان؛ ص ۳۴۳ و ۳۴۴.
- ۱۱۸ - همان؛ بخش دوم، ص ۳۳۹.
- ۱۱۹ - معین، ج ۱۳، ۱۳۷۸، مدخل «قانون»، «بیداری»، «علما»، «آزادی»، «استبداد» و «مشروطه».